



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گوی صبا با علیرضا اخوان

کارگردان نمایش «ترس و نکبت رایش سوم»:

هویت تئاتر ملی ایران در هاله‌ای از ابهام است

سابقه فعالیت تئاتری هستند در واقع، ما بیشتر شبیه خانواده‌ای تئاتری هستیم.

وی در ادامه تلاش این خانواده تئاتری در بازنگری مناسبات تولید تئاتر در ایران را اینگونه شرح داد: به نظر می‌آید که در ایران، تولید تئاتر غالباً بدون پژوهش صورت می‌گیرد و بسیاری از مناسبات آن صرفاً به شکل سنتی ادامه یافته‌اند، بدون اینکه مورد ارزیابی مجدد قرار بگیرند. مناسبات تولید برای ما فقط به مسائل مالی محدود نمی‌شود، بلکه پرسش‌هایی چون شیوه‌ی مواجهه با متن، رابطه‌ی کارگردان و بازیگر، و حتی نوع تعامل بازیگران با یکدیگر نیز در این فرایند قرار می‌گیرند.

او افزود: در بسیاری از الگوهای سنتی، برخورد کارگردان با اثر و گروه نوعی دیکتاتوری فرسوده است؛ رویکردی که در تئاتر مدرن جهان مدت‌هاست به چالش کشیده شده و ما نیز در این پروژه تلاش کردیم به دنبال الگویی تازه، منعطف، خلاق و انسانی در تولید تئاتر برویم. اخوان در مورد آنچه مخاطب با آن مواجه خواهد بود گفت: گروه ما مسیر تازه‌ای را در فرم، محتوا و ساختار دنبال می‌کند و این در محصول نهایی یعنی نمایش «ترس و نکبت رایش سوم» نیز کاملاً مشهود است. تئاتر ما یک پیشنهاد تازه است و نیاز دارد که مخاطب با نگاهی نو به آن نزدیک شود. به قول گوته، وقتی برای تماشای تئاتر می‌رویم، در واقع به ملاقات یک پیشنهاد می‌رویم و من از مخاطب می‌خواهم که ببیند، و این پیشنهاد تازه را دریافت کند. ممکن است این نگاه با تجربه‌های پیشین او متفاوت باشد، اما مهم این است که تئاتر زنده است و در حال تغییر. او در پایان با اشاره به اهمیت حمایت از تئاتر گفت: از تک‌تک اعضای گروه که با جان و دل در کنار من بودند هم‌طور از آقای نادر فلاح، خانم افسانه کاشفی، آقای سام درخشانی و عزیزان تماشاخانه هما که پذیرفته‌اند این وظیفه‌ی حمایت از تئاتر که در تمام جهان بر دوش دولت‌هاست را به عهده بگیرند و خودشان این نقش را برای نسل جوان ایفا می‌کنند، سپاسگزارم و همواره گلايه‌مند دولت‌ها هستم چرا که وظیفه اصلی خودشان یعنی حمایت را به نظارت تقلیل داده‌اند.

کسی قیم این مسئله شود که سالن‌ها هویت جداگانه و متفاوت از هم داشته باشند.

وی در ادامه گفت: در گذشته، مثلاً در دهه ۸۰، تالار مولوی هویتی مشخص تر و مخاطب نیز انتظار دیدن آثار تجربی و نوآورانه‌تری را داشت. اما امروز نمی‌توان با قطعیت گفت که در تئاتر شهر قرار است چه نوع نمایشی ببینیم. ما حتی هنوز نمی‌دانیم تئاتر ملی ایران چیست. آیا سیاه‌بازی است یا تعزیه یا تئاتر آوانگارد معاصر؟ البته تلاش‌هایی در راستای این هویت بخشی به سالن‌ها انجام شده اما همچنان در هاله‌ای از ابهام است.

هم‌زیستی خلاقه؛ تجربه‌ای مشترک در ساخت یک تئاتر مستقل در ادامه‌ی گفت‌وگو با کارگردان نمایش «ترس و نکبت رایش سوم»، موضوع آشنایی او با نادر فلاح، تهیه‌کننده‌ی این پروژه، به بحث گذاشته شد. او در این باره گفت: آشنایی من با آقای فلاح به چند سال پیش بازمی‌گردد. آن زمان قرار بود نمایشی با عنوان شکار مرگ از آیرالوین را با هم شروع کنیم که به دلایلی میسر نشد. پس از آن، به پیشنهاد دوست عزیزمان سعید پارسا در ابتدا به عنوان بازیگر در نمایش «کابوس‌های آن که نمی‌میرد» شروع به همکاری کردیم و در ادامه، در گروه کارگردانی هم با ایشان همراه شدم. این همکاری باعث شد متوجه شوم که تا چه اندازه در سلايق و دغدغه‌های تئاتری اشتراک داریم و نگاه‌مان به این هنر چگونه می‌تواند مکمل یکدیگر باشد. بدین ترتیب در پروژه‌ی بعدی، یعنی گانه دوم نمایش سنتز، من از آقای فلاح دعوت به همکاری کردم و حدود ۶۰ شب نیز آن اجرا روی صحنه رفت.

علیرضا اخوان درباره‌ی شروع تمرین‌های این نمایش و ساختار گروه اجرایی گفت: ما حدود شش ماه تمرین مداوم برای این پروژه داشتیم. اولین ویژگی مهم گروه بازیگران ما این بود که رابطه‌ای عاطفی و دوستانه میان ما وجود داشت و دوم اینکه همه‌ی آن‌ها بازیگران حرفه‌ای با بیش از ده سال

مریم عظیمی گفت و گو

علیرضا اخوان کارگردان نمایش «ترس و نکبت رایش سوم» که این روزها در عمارت هما اجرا می‌شود تمرین‌های این پروژه را به مجسمه‌سازی روی یخ تشبیه می‌کند؛ کاری ظریف، ناپایدار، و نیازمند بازآفرینی مداوم. وی درباره‌ی چرایی انتخاب این نمایشنامه‌ی خاص از برشت به خبرنگار تئاتر صبا گفت: راستش را بخواهید، انتخاب نمایشنامه محصول یک دوره‌ی پژوهشی طولانی مدت بود که شاید حدود یک سال به طول انجامید. من و گروه اجرایی‌ام به دنبال متنی بودیم که حراف نباشد، وضعیت محور و معاصر بوده و به اینجا و اکنون ما ربط داشته باشد. همچنین، باید این ظرفیت را می‌داشت که با همین گروه بازیگران و با بهره‌گیری از بدن‌ها و قابلیت‌هایشان بتوانیم آنچه را در ذهن داریم، خلق کنیم.

وی افزود: در این مسیر به چند گزینه رسیدیم و نهایتاً انتخاب ما نمایشنامه‌ی «ترس و نکبت رایش سوم» از برتولت برشت شد. برای من، انتخاب متن بر اساس سه ضلع اصلی شکل می‌گیرد: نخست، گروه اجرایی؛ دوم، مخاطب و سالن نمایش؛ و سوم، خودم به عنوان خالق اثر. متن باید در من خلاقیت ایجاد کند، امکان اجرا با این گروه را فراهم آورد و نهایتاً بتواند با مخاطب ایرانی حاضر در سالنی مانند تماشاخانه هما ارتباط برقرار کند. از لحاظ فرمی هم باید انعطاف‌پذیر باشد تا امکان اجرای ایده‌های نوآورانه فراهم شود.

در ادامه، بحث به موضوع تفاوت مخاطبان سالن‌های نمایشی مختلف کشیده شد. او در این باره گفت: در ایران، به دلیل نبود رویکرد مشخص در اداره سالن‌های نمایشی، نمی‌توان به روشنی از تفاوت مخاطبان صحبت کرد.

برای مثال، در انگلستان، رویال آکادمی شکسپیر به طور مشخص روی آثار شکسپیر تمرکز دارد و مخاطب می‌داند قرار است چه نوع اجرایی ببیند. اما در ایران، مسئله ورود دولت‌ها و نهادهایی مانند شهرداری به عرصه‌ی مدیریت سالن‌ها مطرح می‌شود، چون باید



روزگار
ایران